

بررسی رابطه هویت تحصیلی و مولفه های آن با عملکرد تحصیلی دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان خاش

احمد رضا کرد^۱، خیرمحمد کرد^۲

^۱ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور شیراز، فارس، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

چکیده

هدف از تحقیق پیش رو؛ بررسی رابطه هویت تحصیلی و مولفه های آن با عملکرد تحصیلی دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان خاش که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۳۳ نفر از آنان با نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده های میدانی هویت تحصیلی از پرسشنامه منزلتهای هویت تحصیلی (واز و ایزاکسون؛ ۲۰۰۸) و برای جمع آوری داده های میدانی عملکرد تحصیلی پرسشنامه عملکرد تحصیلی فام و تیلور (۱۹۹۹)، استفاده شد و داده ها به وسیله نرم افزار SPSS۲۶ توصیف و تحلیل گردید. نتایج رگرسیون همزمان نشان داد؛ هویت تحصیلی و مولفه های آن توان پیش بینی عملکرد تحصیلی دانش آموزان را دارند. براساس نتایج به دست آمده، اهمیت قائل شدن هویت تحصیلی و در نظر گرفتن این مقوله در برنامه های درسی، آموزش و تدریس معلمان، تألیف کتب درسی برای مسئولین و توجه به متغیرهای دیگر اثرگذار بر عملکرد تحصیلی و مقایسه آن با نتایج تحقیق حاضر و مشابه آن به محققان آینده توصیه گردید.

واژه های کلیدی: هویت تحصیلی، عملکرد تحصیلی، دانش آموزان متوسطه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

هویت در فرهنگ لغت آکسفورد (۲۰۱۵) به شرح ذیل تعریف شده است ((خصوصیات، احساسات و باورهایی که باعث تمایز افراد از یکدیگر میشود، هویت نامیده میشود. هویت را می توان آگاهی فرد نسبت به خود دانست که در نتیجه تداول کنش های فرد به او واگذار نمی شود بلکه فرد بایستی آن را به طور مداوم و پیوسته در زندگی روزمره ایجاد کند و در فعالیت های خویش مورد پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ترجمه ثلاثی، ۱۳۹۷). از دیدگاه دیگر هویت به مفهوم فرایند معنا سازی بر اساس ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوستههایی از ویژگی های فرهنگی می باشد که در منابع معنایی دیگر ارجحیت داده می شود. (کاستلز، ۱۳۸۵). همچنین کارکردگرایان هویت را این گونه تعریف میکنند، هویت عبارت است از آنچه که باعث تشخیص افراد و گروهها از یکدیگر میشود به این معنا که به وسیله یک سری مشخصات ثابت خود را معرفی کرده و آن را وجه تمایز از دیگران می داند. پیروان مکتب کارکردگرایی معتقدند که افراد برای اثبات برتری خود به مقایسه گروه خود با گروه های بیگانه می پردازند (جنکینز، ۱۳۹۶). دو معنای اصلی هویت تمایز و تشابه مطلق است. جنکینز (۱۳۹۱) هویت را این گونه تعریف می کند هویت ریشه در زبان لاتین و دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن مفهوم تشابه مطلق را بیان میکند؛ این با آن مشابه است. معنای دوم آن تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می گیرد. به این ترتیب به مفهوم شباهت از دو زوایه مختلف راه می یابد. مفهوم هویت همزمان میان افراد و اشیا دو نسبت محتمل برقرار می سازد: شباهت و تفاوت. هویت داشتن یعنی یگانه بودن ولی از دو جنبه متفاوت، همانند دیگران بودن در طبقه خود و همانند خود بودن در گذر زمان (جنکینز، ترجمه یاراحمدی، ۱۳۹۱).

هویت در سطوح و ابعاد مختلفی واکاوی شده است، هویت ملی، هویت دینی، هویت جهانی و موادی از این قبیل. هنگامی که از هویت دینی سخن به میان میآید در واقع به ابعاد کارکردی و عینی دینی اشاره میشود. هویت دینی آن احساس خاصی است که پیروان یک دین را به یکدیگر پیوند میدهد. هویت ملی را میتوان نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست، ملتی که نمادها، سنتها، مکان های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان تاریخی و فرهنگی و سرزمین معین دارد. هویت ملی یعنی احساس تعلق به گروهی از انسانها به واسطه اشتراک داشتن در برخی عناصر فرهنگی و شبه فرهنگی (حاجیانی، ۱۳۸۸). همچنین هویت تحصیلی نوع دیگری از هویت است که فرایند پاسخ گویی آگاهانه هر فردی نسبت به موقعیت تحصیلی خود است. این که آیا باید درس بخواند یا خیر؟ چه راهی را در پیش بگیرد و بدین تربیت در جستجوی هویت تحصیلی خود باشد. در صورت وجود چنین هویتی در فرد نوعی احساس حرکت و موفقیت در جنبه های مختلف تحصیلی به وجود میآید، همچنین با این احساس موانع موجود در راه موفقیت یکی پس از دیگری برداشته می شود (حاجی خیاط، ۱۳۸۲). واز و ایزاکسون (۲۰۰۸) با در نظر گرفتن حیطة تحصیلی به عنوان یکی از حیطة های مهم زندگی منزلت های چهارگانه هویت تحصیلی را شرح کردهاند: منزلت " هویت تحصیلی سردرگم " به عدم اکتشاف یا تعهدی که اغلب با تعلل در خصوص تصمیم های که مربوط به ارزشهای تحصیلی است اشاره دارد. " هویت تحصیلی زودرس " بیانگر تعهدات دانشآموز نسبت به ارزشها و آرمان های تحصیلی است که از افراد مهم زندگی خود (مانند والدین و همسالان) گرفته شده است. منزلت " هویت تحصیلی دیررس " به زمان تردید تحصیلی یک دانشآموز اشاره دارد که برای رسیدن به نتیجه گیری درباره ارزش ها و اهداف تحصیلی تلاش می کند. آخرین منزلت شکل گیری هویت تحصیلی منزلت " هویت تحصیلی موفق " است که به تعهدی نسبت به مجموعه ایی از ارزشهای تحصیلی اشاره دارد که به دنبال یک دوره اکتشاف به وجود آمده است.

پایه های نظری هویت تحصیلی

فروید اولین کسی است که مفهوم بنیادی تعریف خود را مطرح می کند. فروید بر این باور است که احساس فرد از خود، از درون فکنیهای والدین در طول دوره پدید آیی فراخود و در پایان تعارض ادیپی شکل می گیرد. این همانند سازی ها در طول نوجوانی یا بزرگسالی به طور معناداری حفظ می شود، اما اولین نوشته های روانکاوانه که شکل گیری هویت را به امری فراتر از همانندسازی های کودکی و درون سازی های والدینی تبدیل کرد، اریکسون بود که تعارض روانی نوجوان را هویت در برابر سردرگمی نامید و معتقد بود بحران هویت یک دوره موقت سردرگمی و پریشانی است که نوجوانان قبل از توافق رسیدن در مورد ارزش ها و اهداف آن را تجربه می کنند (محمود آبادی، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۸).

با پیروی از اریکسون، مارسیا نوجوانی را دوره ای می داند که نوجوانان دچار بحران هویت می گردند، و با انتخاب تعدادی قلمروهای زندگی برای آینده، آن را حل می نمایند. بحران و تعهد متغیرهای اصلی در مدل پایگاه های هویت مارسیا می باشد. این متغیرها امکان توزیع جوانان را به چهار پایگاه هویت موفق، هویت مهلت خواه، هویت زودرس، هویت مغشوش فراهم می نمایند (اکبرزاده، ۱۳۷۶). برزونسکی (۱۹۹۲) با توجه به نظریه اریکسون و مارسیا، دیدگاه متفاوتی را در مورد هویت به وجود آورد. برزونسکی (۱۹۹۰) سه سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری و نامتمایز اجتنابی را مطرح کرد (غرابی، عاطف وحید، دژکام و محمودیان، ۱۳۸۴). در واقع واز و ایزاکسون (۲۰۰۸) با توجه به نظریه مارسیا و نیز با پذیرفتن این پیش فرض که منزلتهای هویت به زمینه وابسته هستند و با در نظر گرفتن زمینه های تحصیلی به عنوان یکی از حیطه های مهم زندگی، منزلت های چهارگانه هویت تحصیلی (هویت موفق، هویت دنباله رو، هویت سردرگم، هویت دیررس) را ارائه کرده اند (حجازی، امانی و یزدانی، ۱۳۹۰).

هویت از دیدگاه اریکسون (۱۹۵۰):

در قلمرو روان شناسی، بنیان گذار بحث هویت، اریک اریکسون می باشد که به اعتراف خود، به عنوان یک مهاجر، در مورد هویت و بی ریشگی در سال ۱۹۵۹ در کنفرانس جهانی بهداشت روانی در دانشگاه وین سخنرانی نمود. در میان هشت مرحله این که اریکسون برای زندگی قائل است، تشکیل هویت مهمترین تکلیف رشدی مرحله نوجوانی است (اکبرزاده، ۱۳۷۶). نوجوان در ۱۲ سالگی تا آخر نوجوانی در مرحله ی پنجم از مراحل رشدی اریکسون قرار دارد و با مسئله بحران هویت درگیر است. بحران هویت در نوجوانی یک بحران هنجار است که همه نوجوانان باید آن را تجربه کنند، اما ناتوانی برای کنار آمدن با این بحران، برای نوجوان قابل قبول نبوده و ناهنجار است چون نوجوان را از داشتن یک هویت محکم محروم می سازد و به سردرگمی هویت یا آشفتگی نقش مبتلا می سازد. نوجوان به کسی مبدل می شود که نمی داند کیست و جای او در این دنیای بزرگ چیست (جعفری، ۱۳۸۸).

عوامل موثر بر هویت تحصیلی

دیم و برهونی (۲۰۰۵) در تحقیقاتی که انجام دادند در یافتند که جنبه هایی وجود دارد که می توانند روی هویت تحصیلی تاثیر بگذارند :

الف) تغییرات در محیط آموزشی با سرمایه گذاری

(ب) کار عملی

(ج) تاکید بیشتر روی کار تیمی هم در زمینه تدریس و هم تحقیق، معرفی مراکز هزینه زا به بخش های مختلف دانشگاهی یا هیات علمی

(د) نظارت داخلی و خارجی بیشتر بر عملکرد کارکنان دانشگاه و یک افزایش در نسبت مدیران (دیم و برهونی، ۲۰۰۵).

بر اساس مشاهده و مصاحبه پیرامون مولفه های مختلف برنامه درسی که می توانند بر کاهش هویت علمی در میان دانشجویان موثر باشند، نقش استادان به عنوان یکی از پررنگترین مولفه های برنامه درسی جلوه گر می شود. استاد است که می تواند به عنوان الگوی عملی دانشجویان در شور و شوق یادگیری و تولید علم قرار گرفته و با سعه صدر، انعطاف و رابطه علمی با دانشجویان، اسوه ای پایدار را برای ادامه حیات علمی مخاطبان فراهم آورد. لیکن به روز نبودن تعداد قابل توجهی از مدرسین، وجود مشاغل متعدد و عدم انگیزه کافی در برقراری ارتباطات مستمر علمی با دانشجویان و فراتر از اوقات کلاسی، از جمله اموری هستند که در جهت تبیین نقش استاد به عنوان عاملی کاهنده برای هویت علمی دانشجویان ایفای نقش می نمایند (مهرام و همکاران، ۱۳۸۵). فضای فرهنگی مطلوب و آرمانی، فضای درخواست کننده است، فضایی که مولفه های محیطی، دانشجویان و دانشگاهیان را ملزم به تلاش و کار بیشتر برای تحقق ارزشهای دانشگاهی بکند. علم و ارزشهای دانشگاهی تنها از ره کتابها، منابع درسی و آزمایشگاه به فرد منتقل نمی شود. برای درونی ساختن ارزشهای دانشگاهی و تحقق هویت آکادمیک در دانشجو، باید به نمادهای عینی ملموس در زندگی روزمره دانشجو توجه نمود. اتمسفر و فضای اجتماعی - فرهنگی دانشگاه باید طوری طراحی شود که اولین چیزی که در فضا پخش می کند، نقش آموزشی و پژوهشی دانشگاه و دانشجو باشد. دانشجو و هر شخص دیگری که پا به میدان دانشگاه می گذارد باید تحت فضای فرهنگی و علمی آن قرار گیرد (سرابی و اسماعیلی، ۱۳۸۸). محتوای دروس نیز از جمله مواردی است که عدم همخوانی آن با نیازهای واقعی دانشجویان و عدم ارتباط افقی و عمودی آن با دیگر موضوعات مورد تدریس، سبب کاهش علاقه یادگیرنده ها به پیگیری و کاوش علمی می شود. همچنین متناسب بودن حجم و به روز بودن آن، از نکات مهم تلقی می گردد. از دیگر مولفه های برنامه درسی که بر کاهش هویت علمی می تواند موثر باشد، مولفه های ارزشیابی است. بدیهی است که چنانچه انگیزه یادگیرنده به اموری غیر از خردورزی و دانشوری معطوف بوده و استاد نیز جز بازگویی نقلی وقایع و پدیده ها به امر دیگری مبادرت نرزد، ارزشیابی صرفا در طبقات پایین شناختی رخ خواهد داد (مهرام و همکاران، ۱۳۸۵).

عملکرد تحصیلی

عملکرد تحصیلی به معنای توانایی دانش آموزان در پاسخ دهی به مسائل مربوط به موضوع یا موضوعات خاص پیش بینی شده برای یک دوره آموزشی است (سپهوندی، ۱۳۸۵). عملکرد تحصیلی شامل ثبت کلیه فعالیت های شناختی فرد تحصیل کننده است که با یک سیستم درجه بندی مورد توافق با توجه به سطوح مختلف فعالیت های هیجانی و آموزشی و جدول زمانی سنجیده می شود و به عنوان فرایند پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته می شود (خوش کنش، ۱۳۸۶).

نیاز به پیشرفت یکی از انگیزه های اولیه بشر است. افرادی که نیاز به پیشرفت در آن ها قوی تر است، تمایل بیشتری به کامل شدن و بهبود عملکرد خود دارند. آنان ترجیح می دهند با وظیفه شناسی کارهایی انجام دهند که چالش برانگیز بوده به طوری که ارزیابی پیشرفت آنان در مقایسه با پیشرفت سایر مردم بر حسب ملاک هایی امکان پذیر باشد. به بیان دیگر پیشرفت

رفتاری است مبتنی بر وظیفه، که اجازه می دهد عملکرد فرد بر طبق ملاک های فرض شده درونی یا بیرونی مورد ارزیابی قرار گیرد (کوری و همکاران، ۲۰۰۶، کاموراجا و همکاران، ۲۰۰۹).

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و سطوح بالای آن می تواند پیش بینی کننده آینده روشن برای فرد و جامعه باشد و تمام کوشش ها و سرمایه گذاری های هر نظامی، تحقق این هدف می باشد. بر این اساس روان شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت به بررسی عوامل انگیزشی در یادگیری و عملکرد دانش آموزان در حوزه های گوناگون درسی توجه داشتند. از دهه ۱۹۸۰ میلادی اکثر تحقیقات صورت گرفته در زمینه پیشرفت تحصیلی بر عوامل روانی که بر یادگیری دانش آموزان تأثیر دارند تأکید کرده اند (لینن برینک و پنتریچ، ۲۰۰۲).

گروه های تخصصی و روان شناسان همواره به بررسی جوانب مختلف تحصیلی تأکید دارند (لانس بری و همکاران، ۲۰۰۵). توجه به پیشرفت تحصیلی از زمان بینه آغاز شد و دریافت که نمرات آزمون های وی قادر است کودکانی که با توجه به مشاهدات کلاس درس، (باهوش) و (کم هوش) قلمداد شده بودند را از هم تفکیک نماید و بعدها نتایج امتحانات دانش آموزان ملاک قرار گرفت.

یادگیری اساس رفتار انسان را تشکیل می دهد و فرایندی که مدام در طول زندگی انسان و در هر مرحله از رشد الزامی می باشد. موجودیت و بقای هر فرهنگ به توانایی اعضای جدید آن برای یادگیری انواع مهارت ها، هنجارهای رفتاری، باورها و ... وابسته است. در واقع پیشرفت تحصیلی فرایندی است که می توان آن را نتیجه یادگیری انسان دانست و منظور از پیشرفت تحصیلی موفقیت در امر تحصیل است که می توان به مهارت در امر خاص، تخصص در بخشی از دانش منجر شود.

در نظام آموزش و پرورش پیشرفت تحصیلی اصطلاحی است که به جلوه ای از جایگاه تحصیلی دانش آموزان اشاره دارد. و این جایگاه می تواند به صورت نمرات دوره های مختلف باشد که به وسیله آزمون های استاندارد شده اندازه گیری شود (سیف، ۱۳۸۰).

راسل (۲۰۰۳)، اهدافی که عموماً رفتار پیشرفت تحصیلی را بر می انگیزد به عنوان اهداف درونی و بیرونی طبقه بندی می کند. به نظر او در اهداف درونی، اهداف مربوط به تکلیف (مثلاً تلاش برای فهم مطالب) و اهداف مربوط به خود (مثلاً بهتر از دیگران عمل کردن، اثبات هوش و تلاش) قرار دارند. و اهداف بیرونی مربوط به انسجام اجتماعی (خشنود کردن دیگران و پاداش ها) می باشند (علیوندوفا، ۱۳۸۴). تفاوت های فردی در انگیزه پیشرفت می تواند موفقیت تحصیلی را پیش بینی کند. دانش آموزانی که از دستیابی به اهداف خود اجتناب می کنند، ترس از ارزیابی داشته و مشکلات را به عنوان عامل تهدید کننده تلقی می کنند و در نتیجه دست از تلاش برای دستیابی به اهداف برمی دارند. در مقابل کسانی که در پی دستیابی به اهداف خود هستند از یادگیری لذت می برند و مشکلات را به عنوان چالش می پذیرند و در دستیابی به اهداف خود پافشاری می کنند (هاراکیوپز، ۲۰۰۲، کاموراجا و همکاران، ۲۰۰۹).

سازه انگیزش موفقیت به رفتارهایی که به یادگیری و در نتیجه پیشرفت تحصیلی منجر می شود اطلاق می گردد (هاراکیوپز، ۲۰۰۲، کاموراجا و همکاران، ۲۰۰۹).

عوامل مؤثر در عملکرد تحصیلی عبارتند از:

۱- عوامل فردی

بیابانگرد (۱۳۸۲) عوامل فردی را متشکل از موادی همچون هوش، انگیزه، عزت نفس، هدف‌گزینی، شیوه‌های مطالعه و میزان دقت و تمرکز و ابعاد شخصیتی می‌داند. هوش را می‌توان از عمده‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل مؤثر در عملکرد تحصیلی به‌شمار آورد. هوش هر فرد را می‌توان به دو دسته عمومی و اختصاصی تقسیم کرد که هوش عمومی شامل توانایی است که اغلب خاصیت انسان را نشان می‌دهد. هوش اختصاصی نیز استعداد و توانایی خاصی است که فرد یک یا چند زمینه خاص دارد. طبق این تعریف آخر به دروس مختلف آموزشی دانش‌آموزان دقت کنیم خواهیم دید که نوعی رابطه بین آن‌ها وجود دارد. در واقع این‌گونه نیست که آن دانش‌آموز در یک درس بسیار قوی و در درس دیگر ضعیف باشد از طرف دیگر ممکن است کمی تفاوت دیده شود مثلاً در درس علوم بهتر از تاریخ باشد هوش اختصاصی هم وراثت و هم محیط (فرصت‌های یادگیری) عوامل تعیین‌کننده مهمی در توانایی‌های هوشی هستند. وراثت دامنه یا حداکثر هوش یک فرد را مشخص می‌کند در حالی که محیط تعیین می‌کند که فرد در کجای دامنه قرار دارد. در مقابل هوش که تقریباً ذاتی است، انگیزه‌ها پدیده‌ای اکتسابی فرض می‌شود در روانشناسی تربیتی و یادگیری اصطلاح انگیزش در مورد عاملی به کار می‌رود که دانش‌آموزان یا به‌طور کلی یادگیرنده را برای آموختن درس به تلاش و کوشش وامی‌دارد و به فعالیت او شکل و جهت می‌دهد. انگیزه تحت تأثیر عوامل گوناگونی همچون نیازها (جسمانی و شناختی) رغبت‌ها، محرک‌ها، امیال، گرایش‌ها، فشارهای محیطی قرار می‌گیرد. در محیط آموزشی به انگیزه بیشتر از هوش تأکید می‌شود و عقیده بر این است که میان دانش‌آموزان دارای هوش معمولی کسانی موفق‌تر هستند که انگیزه بالاتری دارند. از طرفی انگیزه می‌تواند درونی و بیرونی باشد. کسانی که دارای انگیزه بیرونی هستند تلاش‌هایشان فقط برای دستیابی به چیز دیگری است اما کسانی که دارای انگیزه درونی هستند کار را صرفاً برای خود و رضایت درونی خود انجام می‌دهند. عقیده بر این است که انگیزه درونی از قابلیت‌ها به مراتب بالاتر برای رساندن دانش‌آموزان به پیشرفت و موفقیت برخوردار است هدف‌گزینی از جمله عوامل مؤثر و مهم فردی در عملکرد تحصیلی است دانش‌آموزانی که برای تحصیل خود اهدافی در نظر می‌گیرند از آن‌هایی که هدف خاصی را دنبال نمی‌کنند موفقیت بیشتری را تجربه خواهند کرد. داشتن هدف باعث می‌شود دانش‌آموزان برای رسیدن به آنها تلاش کنند اگر این اهداف متناسب با توانایی او باشد و تلاش لازم را انجام دهند موفق خواهد شد و این موفقیت باعث بالا رفتن اعتماد به نفس و انگیزه او برای تعیین اهداف بعدی می‌گردد. و اگر اهدافی فراتر از سطح توانایی‌های خود برگزینند دچار شکست می‌شود و این شکست به نوبه خود ممکن است انگیزه، عزت نفس و عملکرد تحصیلی وی را تحت شعاع قرار دهد. دانش‌آموزانی که از انگیزه درونی بالایی برخوردار هستند اهدافشان را به قصد افزایش دامنه مهارت‌ها و شایستگی‌هایشان تدوین می‌نمایند و دانش‌آموزانی که دارای انگیزه بیرونی بالا هستند اهدافی را بر می‌گزینند که بتوانند با آن‌ها شایستگی خود را به دیگران نشان دهند.

عقیده دانش‌آموزان دسته اول این است که تلاش بیشتر منجر به عملکرد تحصیلی بالاتر می‌شود آن‌ها از شکست خود درس می‌گیرند و از آن در جهت موفقیت‌های بعدی استفاده می‌کنند. در حالی که دسته دوم یادگیری را وسیله‌ای برای پیشی گرفتن از دیگران تلقی می‌نمایند و هنگامی که به این هدف برسند دچار ترس شده و احساس می‌کنند ارزش وجودیشان مورد تهدید قرار گرفته است. تحقیقات نشان داده است که دانش‌آموزان مضطرب جزء دسته دوم هستند در مورد این موضوع نگرانی دارند که چگونه می‌توانند خوب باشند آن‌ها تمرکز خود را به جای آنکه کاملاً بر تکلیف یا وظیفه تحمیلی خویش

معطوف نمایند صرف افکار مزاحمی همچون ارزیابی منفی دیگران و عملکردشان می کنند در نتیجه اضطراب حاصل از این افکار بر حافظه و عملکرد تحصیلی تاثیر منفی دارد.

موفقیت در تحصیل نقش مهمی را در ایجاد فرصت های آینده دانش آموزان دارد. آموزش خوب و قوی می تواند همزمان هم ناظر به آینده بوده و هم از تجارب و یافته های گذشته بهره ببرد. در واقع آموزش مؤثر بین آینده، حال و گذشته ارتباط ایجاد می کند. هر کسی برای تأثیر گذاشتن روی دیگران نیاز به یادگیری خوب دارد و این مستلزم بهره گیری از آموزش قوی است (بریتزمن، ۲۰۰۳). محققان دریافته اند که موفقیت در تحصیل و پیشرفت در این زمینه تنها در نتیجه هوش و امکانات سخت افزاری موجود در محیط نیست بلکه آنچه نقش مهمی در این زمینه ایفا می کند جنبه های روانی و روانشناختی افراد همانند ابعاد شخصیتی و سبک های یادگیری است (بوساتو و همکاران، ۲۰۰۰، پرموزیک، ۲۰۰۳). به عنوان مثال کتل عنوان می کند که در گستره موفقیت تحصیلی شخصیت نقش بزرگتری را نسبت به هوش بازی می کند. بر طبق نظر اکرم، تئوری ادعا می کند که صفات شخصیتی نقش مهمی در رشد و توسعه دانش و آگاهی فرد، راهنمایی و چگونگی رویارویی با محرک ها را بازی می کند. این نظریه عنوان می کند که عوامل غیر عقلانی مانند صفات شخصیتی و سبک های یادگیری به طور معناداری با پیشرفت تحصیلی در آمیخته است.

پرداختن به ارتباط بین ویژگی های شخصیتی و موفقیت تحصیلی هم ارزش تئوریک داشته و هم سودمندی بالینی دارد. از نظر بالینی می تواند ارتباط ویژگی های شخصیتی با دستاوردهای زندگی واقعی، بخصوص عملکرد تحصیلی را تعیین کند. از نظر تئوریک نیز می تواند مصاحبه یا پرسش نامه ای را برای پیش بینی عملکرد تحصیلی از روی ویژگی های شخصیتی ایجاد کند که نتایج مهمی را در طراحی مناسب هر سیستم آموزشی به دنبال خواهد داشت (پرموزیک و فارنهام، ۲۰۰۳).

در طول دهه گذشته تأکید روزافزونی به اهمیت و نقش متغیرهای شخصیت در پیشرفت تحصیلی شده و متغیرهای شخصیتی خاصی را در موفقیت عملکرد تحصیلی مهم می دانند (مک آیلاری و بانتینگ ۲۰۰۲).

(لانس بری، سودارگاس، گیبسون و لئونگ، ۲۰۰۵)، عنوان کردند که صفات شخصیتی با توانایی تحصیلی دانش آموزان یعنی پیشرفت تحصیلی در رابطه است از طرفی این صفات می توانند پیش بینی کننده ترک تحصیل باشند.

اگر چه ارتباط مستقیمی بین موفقیت در مدرسه و ویژگی های شخصیتی به طور گسترده ای مورد مطالعه قرار گرفته است، استفاده از مدل پنج عاملی شخصیت به عنوان چارچوبی برای سازماندهی تحقیقات قبلی پیشنهاد گردیده است (لایدرا و همکاران، ۲۰۰۷ و کونارد، ۲۰۰۶). پرموزیک و فورنهام عقیده دارند با توجه به نتایج گسترده پیرامون رابطه میان صفات شخصیتی و پیشرفت تحصیلی می توان گفت که پرسش نامه نئو می تواند سهم مهمی در پیش بینی موفقیت تحصیلی باشد.

نتایج تحقیقات نشان می دهد که پنج عامل بزرگ شخصیت، می تواند به خوبی عملکرد تحصیلی را پیش بینی کند (پرموزیک و فورنهام، ۲۰۰۳؛ لایدرا و همکاران، ۲۰۰۷ و کونارد، ۲۰۰۶). به طور مثال نتایج تحقیق پرموزیک نشان می دهد که روان رنجوری با عملکرد تحصیلی رابطه معکوس دارد، در صورتی که وظیفه شناسی و سازگاری، پیشرفت تحصیلی بالایی را به همراه دارد. کاستا و مک کری (۱۹۹۲)، بیان کردند که عامل مهم شخصیتی که به طور مداوم می تواند پیشرفت تحصیلی را پیش بینی کند، گشودگی است، که به پذیرفتن ایده های جدید و گرایش به جستجوی تجارب علمی جدید اشاره دارد. بلیکل (۱۹۹۶) دریافت که گشودگی نسبت به تجارب با عملکرد تحصیلی ارتباط مستقیمی دارد. باربارانی (۲۰۰۳)، به این نتیجه رسید که ارتباط

منفی بین برون‌گرایی و همچنین ارتباط مثبت بین درون‌گرایی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد. همچنین او دریافت که روان‌رنجوری در همه سطوح ارتباط منفی با نمرات دانش‌آموزان دارد. به نظر می‌رسد که اضطراب و نگرانی از عوامل تهدید کننده موفقیت هستند. برون‌گراها نیز ترجیح می‌دهند که فعالیت اجتماعی بیشتری داشته باشند تا فعالیت‌های تحصیلی، که این موضوع می‌تواند تأثیر زیان بخشی در تحصیلات افراد داشته باشند (لیدرا و همکاران، ۲۰۰۷).

هاون و همکاران (۲۰۰۲)، در تحقیق خود بر روی ویژگی‌های شخصیتی نشان داد که بین نوروگرایی و پیشرفت تحصیلی ارتباط منفی وجود دارد. پائون و آشتون (۲۰۰۱)، نیز نشان دادند که وظیفه‌شناسی و گشودگی دو بعد مهمی هستند که به طور مستقیم با پیشرفت تحصیلی رابطه دارند، از این رو انتظار می‌رود که این ویژگی‌ها همبستگی نیرومندی با سایر عوامل مربوط به پیشرفت داشته باشند. ولی در تحقیقی لاوسون دریافت که گشودگی ارتباط منفی با عملکرد و یادگیری دارد (زویک و وبستر، ۲۰۰۴). لازم به ذکر است تاریخچه فرد در موفقیت و پیشرفت تحصیلی می‌تواند شخصیت فرد را تحت تأثیر قرار دهد و از طرفی والدین معمولاً در قبال پیشرفت و ویژگی نسبت به فرزندان پاداش می‌دهند. بنابراین پیشرفت تحصیلی و شخصیت به طور دو جانبه و با تقویت یکدیگر می‌توانند زمینه سلامت روانی را فراهم سازند.

۲- عوامل آموزشی

مهارت معلمان، شرایط آموزشی و امکانات مطلوب تحصیلی، تعداد دانش‌آموزان کلاس و ترکیب آن‌ها، متناسب بودن هدف‌ها و محتوای برنامه‌ها با نیازها، استعدادها و علایق دانش‌آموزان، متناسب بودن مقررات، کتاب‌های درسی و مواد آموزشی، تسهیلات مدرسه و انتظارات مدرسه از دانش‌آموزان (بیابانگرد، ۱۳۸۲).

مواردی همچون مدیر مدرسه، معلم، اهداف و محتوای برنامه‌های آموزشی، روش‌ها و امکانات آموزشی را می‌توان از جمله عوامل برشمرد به طور کلی مجموعه انتظارات در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد می‌تواند سهم بسزایی در موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد (ویس کرمی، ۱۳۸۱).

الف: امکانات آموزشی

محیط یادگیری که گاهی از آن در متون مختلف، تحت عنوان موقعیت یادگیری یا زمینه یادگیری نیز اشاره می‌شود، یک اصطلاح کلی است و به جنبه‌های مختلف آموزشی اشاره دارد. محیط یادگیری کلاس اشاره به فضا یا جایی دارد که فراگیران و معلمان در آن جا با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند و از ابزارها و منابع اطلاعاتی مختلف برای دنبال کردن فعالیت‌های یادگیری خود بهره می‌جویند (ویلسون، ۱۹۹۶). در کل می‌توان دو جنبه کلی را برای محیط کلاس درس شامل میز و صندلی، نورپردازی، نحوه مرتب شدن لوازم آموزشی و غیره است و جنبه انسانی محیط هم اشاره به جو روانی - اجتماعی کلاس درس دارد (هندرسون و فیشر، ۱۹۹۸). با نگاهی مختصر به متون روان‌شناسی تربیتی امروزه می‌توان در مورد مولفه‌های مختلف یادگیری مانند، نحوه اداره کلاس، نحوه ایجاد انگیزه در دانش‌جویان، روش‌های آموزشی معلمان در کلاس درس، وضعیت فیزیکی کلاس و صندلی‌ها و حتی رنگی که برای نقاشی کلاس‌ها استفاده شده است، فصل‌هایی را پیدا کرد (اسلاوین، ۲۰۰۰؛ اسنومن و بیهلر، ۲۰۰۳).

بسیاری از فضاهای آموزشی که هم‌اکنون در مدارس و دانشگاه‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد دارای استانداردهای متناسب با فضای علمی و پژوهشی نیست (ادیب، ۱۳۸۲).

امکانات آموزشی عبارتند از کلاس درس، کتابخانه ها، اتاق سمینار، تالار و سالن اجتماعات، سالن های سمعی و بصری، آزمایشگاه ها، کارگاهها، فضای اداری، وسایل و تجهیزات کمک آموزشی، سالن رایانه، فضاهای باز و سبز جهت ایجاد محیطی آرام و...

ب: ارتباط معلم و دانش آموز

آموزش موثر به استفاده صحیح از مهارت های ارتباطی بستگی دارد. معلم ها با استفاده از دانسته های خود و بکارگیری متون و مهارت های تدریس و ایجاد محیط مناسب، موجب یادگیری دانش آموز می شوند. خصوصیات یک معلم است که می تواند موجب تسهیل فرایند آموزش شده و حتی نقص کتب درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد ارتباطی مطلوب به محیطی غیرفعال و غیر جذاب تبدیل نماید (شعبانی، ۱۳۷۱).

در فرایند ارتباط آموزشی عناصر و متغیرهای فراوانی نظیر مربی، فراگیر، پیام و عوامل محیطی نقش دارند (کوهستانی، ۱۳۷۵). ارتباط در فرایند آموزشی به صورت تبادل افکار و اطلاعات در یک تعامل دو طرفه بین معلم و دانش آموز انجام می گیرد (اسپلاند، ۲۰۰۱).

برقراری ارتباط دانش آموز با معلم باعث افزایش اعتماد به نفس و انگیزه یادگیری در دانش آموز می گردد (باترسون و همکاران، ۱۹۹۴). مدرسان آموزشی بخصوص معلم های مدرسه لازمست با عوامل موثر در برقراری ارتباط آشنا باشند تا فرایند یاددهی - یادگیری را تسهیل نمایند. در واقع آموزش موثر بستگی به مهارت های ارتباطی معلم دارد (اسپنسر، ۲۰۰۳).

توانایی برقراری ارتباط موثر یکی از شاخص های مهم تدریس اثربخش است و طبعاً می تواند تابعی از ویژگی های شخصیتی و علمی معلم باشد. ویژگی های متعدد مانند گشاده رویی، برخورد مثبت و انرژی دهنده و میل به هدایت یک معلم می تواند در برقراری ارتباط موثر باشد. مطالعات عوامل بی شماری را در تعامل بین مدرس و دانش آموز معرفی نموده اند، مطالعه ای عواملی آشنا نبودن بسیاری از دانش آموزان با محیط مدرسه در بدو ورود، عدم علاقه به رشته قبولی، ناسازگاری با سایر افراد در محیط زندگی و کافی نبودن امکانات رفاهی و اقتصادی و مشکلاتی نظیر آنها از جمله شرایطی هستند که می تواند مشکلات عاطفی و روانی دانش آموزان را به وجود آورده یا تشدید نمایند. بنابراین دانش آموزان جوانتر انتظار دارند که معلم آنان نقش حمایتی و هدایتی داشته و بتواند فروتنانه برای حل مشکلات آنان گام بردارد (قدمی و همکاران، ۱۳۸۶).

۳- عوامل خانوادگی، اجتماعی

یکی از عوامل مهم و مؤثری که در رشد و تکامل انسان نقش اساسی دارد «خانواده» است. محیط خانواده بادوام ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می گذارد. زیرا تنها در خانواده است که کودک نخستین چشم انداز را از جهان پیرامون خود به دست می آورد و احساس وجود می کند یعنی می آموزد، چگونه غذا بخورد، لباس بپوشد، حرف بزند، معاشرت کند، همکاری نماید، محبت و احترام روا دارد و هم چنین در خانواده است که به آداب و رسوم ملی، مراسم دینی، وظایف فردی و حدود اختیارات و مسئولیت ها پی می برد (پارسا، ۱۳۷۲، ص ۶۷).

در حقیقت استحکام و استواری خانواده به ازدواج و رابطه زناشویی پایدار و بنیادین بستگی دارد یعنی هرگونه تزلزل و سستی در سازگاری زناشویی و یا وجود یک ازدواج ناموفق علاوه بر آن که آرامش روانی زوجین را مختل میکند و افسردگی و اضطراب را می افزاید، بقا و دوام خانواده را نیز در معرض تهدید قرار می دهد و فروپاشی خانواده مزید بر علت شده افسردگی و اضطراب همسران و دیگر مشکلات جسمی و روانی را پیش از پیش افزایش می دهد (کاظمی حقیقی، ۱۳۷۷، ص ۲۴). واضح است که کودکان چیزهای زیادی را از طریق تجربیات روزمره شان در تعامل با دنیای اجتماعی و فیزیکی یاد می گیرند آنچه یاد گرفته می شود در زن ها وجود ندارد و هیچ گونه برنامه سازماندهی شده ندارد، و بر طبق یک برنامه زمانبندی شده خاص در درون متن اجتماع رخ می دهند، در اینجا است که والدین در آن نقش ایفا می کنند (مک کویی، ۲۰۰۰، ص ۷۸).

از آن جا که خانواده، خود یک واحد اجتماعی است و ارزش ها و معیارهای اجتماعی از طریق آن به کودک منتقل می شود، به عنوان یک واسطه از لحاظ تأثیر محیط اجتماعی بر کودک، اهمیت فراوانی دارد. به سخن دیگر، چون خانواده کانون تولد و زایش فرزند است و پیش از وی شکل گرفته است، تا مرحله ای که فرزند به آگاهی و «شعور» کافی برسد، خواه ناخواه در تعیین سرنوشت، ساختمان روحی و نوع جهان بینی و طرز تفکر وی که خود برگرفته از محیط اجتماعی است، تأثیر فراوان دارد (احدی و محسنی، ۱۳۸۷، ص ۶۹).

تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و روانی خانواده بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان در پژوهش های متعددی به اثبات رسیده است. مهمترین عوامل خانوادگی موثر در پیشرفت تحصیلی عبارت اند از: شرایط اجتماعی و اقتصادی، تحصیلات و سطح فرهنگ خانواده، تعداد اعضای خانواده، اشتغال کودکان، اشتغال مادران و ارتباط بین اولیا و مربیان (بیابانگرد، ۱۳۸۲).

چندین مطالعه به شرایط اقتصادی - اجتماعی خانواده (هوی، ۲۰۰۵)، سطوح آموزشی والدین، منابع آموزشی در خانه (مولیس، ۲۰۰۰)، زبان رایج در خانه در مقابل زبان آزمون (هوی، ۲۰۰۲) به عنوان عواملی که می توانند واریانس پیشرفت تحصیلی را تبیین کنند، اشاره کرده اند (مهدوی، ۱۳۸۴).

گزارش کلمن تحت عنوان برابری فرصت تحصیلی در سال ۱۹۶۶ نشان داد که تجهیزات مدارس اثر قاطعی بر پیشرفت دانش آموزان ندارد و کیفیت معلمان نیز دارای اهمیت چندانی نیست در عوض این وضعیت خانواده است که اثر تعیین کننده ای بر عملکرد درسی دانش آموزان دارد (بیکر، ترجمه نایبی، ۱۳۸۵). کول (۱۹۹۰) وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده را مهمترین عامل پیش بینی کننده دانسته است (هوی، ۲۰۰۵).

میلون (۲۰۰۲) نشان داد که عامل وضعیت اقتصادی - اجتماعی متغیر پیش بین قابل اعتمادی برای عملکرد مدرسه ای است. میلیون نشانگرهایی چون دانش آموزانی که غذای مدرسه را صرف نمی کنند و یا غذاهای ارزان قیمت خریداری می کنند و دانش آموزان تک والد و میزان درآمد سالانه والدین را معرفی کننده متغیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی در نظر گرفت و نتایج تحقیق میلیون نشان داد متغیر دانش آموزانی که غذای مدرسه را صرف نمی کنند و یا غذای ارزان قیمت می خردند، قوی ترین پیش بینی کننده نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بود. ترکیب متغیرهای فوق قدرت پیش بینی نمره ها را افزایش می داد. پاورز (۲۰۰۳) نیز در تحقیقی که علاوه بر متغیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی، متغیرهای میزان تحصیلات معلمان و سابقه تدریس معلمان را برای پیش بینی عملکرد دانش آموزان در نظر گرفته بود و متغیرهای مربوط به وضعیت اقتصادی - اجتماعی که در نظر گرفته بود، شبیه متغیرهای آزمون شده میلیون بود، نیز به این نتیجه دست یافت که وضعیت اقتصادی -

اجتماعی ۵۷٪ از واریانس پیشرفت تحصیلی را تبیین می کند. اکپالا و اسمیت (۲۰۰۱) نیز نشان دادند که ارتباط منفی و معنی داری بین عملکرد تحصیلی و وضعیت اقتصادی - اجتماعی وجود دارد (وولسی، ۲۰۰۶).

پاپاناستازی (۲۰۰۲) در تحقیق خود در کشور قبرس بین رابطه وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین و پیشرفت ریاضی رابطه منفی به دست آورده است. وی همچنین ذکر کرده است که در آمریکا و ژاپن نیز مشابه این نتیجه گزارش شده است.

بعضی محققان به رابطه وضعیت اقتصادی اجتماعی و تأثیر آن بر نگرش نسبت به یادگیری نیز تحقیقاتی انجام داده اند. مارکولیدز، هک و پاپاناستازی (۲۰۰۵) نشان دادند که دانش آموزان با موقعیتهای اقتصادی - اجتماعی بالاتر، نگرش مثبت تری نسبت به یادگیری ریاضیات دارند.

شرایط عاطفی حاکم بر خانواده مهمترین عامل در شکل گیری نگرش دانش آموزان نسبت به امر تحصیل است. عمدتاً فقر فرهنگی بعضی از خانواده ها که به علت بی سوادی والدین است باعث می شود تا توجه به تحصیل فرزندان مبذول نگردد. از طرفی در برخی از خانواده های سطح بالا که از تحصیلات نسبتاً خوبی برخوردارند جو حاکم بر خانواده به گونه ای است که به علم و تحصیل ارزش فراوانتری اختصاص داده می شود. در این خانواده ها از فرزندان انتظار می رود تا مدارج بالای علمی را طی نمایند و گاهی اوقات فشاری که به فرزندان برای خوب کامل بودن و برآورده ساختن انتظارات وارد می آید ممکن است اضافه تر از توانایی و ظرفیت آن ها باشد و عدم تعادل میان انتظار و توانایی ها منجر به بروز مشکلات متعددی در دانش آموزان می گردد. وقتی در اجتماع معیارهای مادی از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردار باشد فرهنگ پژوهش و مطالعه در روحیه تک تک اعضای آن شکل نگرفته باشد. مسلم است که ذهنیت آن جامعه نیز با ارزش تحصیلی و کسب دانش بیگانه است. همان طور که ملاحظه گردید عوامل متعددی می تواند عملکرد دانش آموزان را تحت تأثیر قرار دهند به همین دلیل است که مساله بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان یا حداقل جلوگیری از افت تحصیلی آنان مساله پیچیده و دشواری است. در واقع کنترل تمامی عوامل تأثیر گذار بر عملکرد بسیار مشکل است متغییر کمال گرایی به عنوان یکی از عوامل تأثیر خاص خود را بر عملکرد تحصیلی می گزارد این متغییر خود می تواند از شرایط تربیتی خانوادگی، آموزشگاهی و اجتماعی متأثر باشد. خانواده و مدرسه و اجتماع کمال گرا می تواند دانش آموزان کمال گرا را پدید آورد، این دانش آموزان با نحوه تفکر خاص خود مبتنی بر این که برای هر مساله تنها یک راه حل کامل و بی عیب و نقص وجود دارد و اگر نتواند آن را انجام دهند دچار یاس و ناامیدی می شوند و با وظایف و فعالیت های آموزشگاهی برخوردار می کنند. عدم برآورده ساختن انتظارات خود و دیگران با کیفیتی کامل و بدون اشتباه دانش آموزان را دچار وسواس می سازد و اگر نتواند به هدف کامل نائل آید احساس گناه، سرزنش و افسردگی خواهند نمود این عوامل به نوبه خود بر عملکرد خود تأثیر می گذارد.

دو عاملی که ارتباط نزدیک با عملکرد تحصیلی دارند ۱- پیشرفت و ۲- افت تحصیلی می باشد که در ادامه در مورد آن ها توضیح می دهیم:

تعیین حجم نمونه در این پژوهش

حال برای تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران در این پژوهش سطح اطمینان را برابر ۰,۹۵ در نظر می گیریم (به عبارت دیگر ۵ درصد خطا را تحمل می کنیم). ضمناً مقدار اشتباه مجاز در برآورد نسبت یک ویژگی خاص را (مثلاً درصد (نسبت)

آشنایی مدیران با وظایف خویش در رسیدن به اهداف (را برابر ۰,۰۵ در نظر میگیریم. ضمناً حجم جامعه کل نیز برابر با ۱۳۳ نفر می باشد.

در این صورت :

$$n = \frac{000 (1.66)^* (0.55)}{000 (0.55)^2 + (1.66)^2 (0.55)} = 333$$

بنابراین حجم بهینه نمونه مساوی با ۱۳۳ نفر خواهد بود.

بیان مساله:

هدف اصلی: بررسی رابطه هویت تحصیلی و مولفه های آن با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان خاش می باشد.

اهداف فرعی

- تعیین رابطه بین هویت تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان.

روش های آماری: تحقیق حاضر به لحاظ اینکه به توصیف وضعیت توزیع نمرات متغیرهای تحقیق می پردازد از نوع توصیفی، و از این لحاظ که رابطه بین متغیرها را بررسی می نماید، از نوع همبستگی می باشد، همچنین از نظر زمانی، از نوع مقطعی، از نظر میزان کنترل، از نوع پهنانگر و تعمیم پذیر می باشد. تحقیق حاضر با ارائه راهکارها و پیشنهاداتی، به دنبال کاربردی کردن نتایج می باشد، بنابراین، از نوع کاربردی می باشد.

روش کار

در این تحقیق پس از جمع آوری پرسشنامه های مذکور و واردسازی داده ها در نرم افزار SPSS۲۶، و نمره گذاری متغیرها، آزمونهای توصیفی، از جمله؛ توزیع فراوانیها، گزارشهای شاخصهای گرایش مرکزی (میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه...) و جداول تقاطعی و نمودارهای متناسب استفاده شد. در قسمت آزمون فرضیات و استنباطهای آماری نیز از آزمونهای همبستگی متناسب، آزمونهای مقایسه میانگینها، تحلیل واریانس یکطرفه و نیز رگرسیون چند متغیری همزمان استفاده شد.

ابزار سنجش

۱- پرسشنامه منزلتهای هویت تحصیلی (واز و ایزاکسون: ۲۰۰۸)

پرسشنامه منزلتهای هویت تحصیلی توسط واز و ایزاکسون (۲۰۰۸) جهت اندازهگیری هویت تحصیلی ساخته شده است. که از چهار خرده مقیاس هویت تحصیلی موفق، دیررس، (AIS) پرسشنامه منزلت های هویت تحصیلی دنباله رو و سر در گم تشکیل شده و دارای ۴۰ گویه در ۴ مولفه می باشد.

تعریف مفهومی متغییر پرسشنامه :

هویت عبارت است از چیستی و هویت در مورد انسان و نوجوان این است که بداند کیست، چیست، چه راهی را در زندگی در پیش رو دارد و به کجا می خواهد برود. انسان در دوره کودکی، به این مفاهیم زیاد نمی اندیشد.

تعریف عملیاتی متغییر پرسشنامه

در این پژوهش منظور هویت تحصیلی نمره‌ای است که کارکنان به سوالات ۴۰ سوال پرسشنامه هویت تحصیلی می دهند .

مولفه های پرسشنامه :

سوال	منابع	مولفه های پرسشنامه
۴۰، ۳۸، ۳۲، ۳۰، ۲۸، ۲۵، ۱۸، ۱۷، ۵،	(واز و ایزاکسون؛ ۲۰۰۸)	هویت تحصیلی موفق
۳۷، ۳۶، ۳۴، ۳۱، ۲۷، ۲۴، ۲۱، ۱۴، ۱۲، ۷	(واز و ایزاکسون؛ ۲۰۰۸)	هویت تدریس دیر رس
۳۵، ۲۶، ۲۳، ۱۹، ۱۵، ۱۳، ۸، ۳، ۲	(واز و ایزاکسون؛ ۲۰۰۸)	هویت تحصیلی سردرگم
۲۹، ۲۲، ۲۰، ۱۶، ۱۱، ۱۰، ۹، ۶، ۱	(واز و ایزاکسون؛ ۲۰۰۸)	هویت تحصیلی دنباله رو

به دو طریق می توان از تحلیل این پرسشنامه استفاده کرد.

A. تحلیل بر اساس مولفه‌های پرسشنامه

B. تحلیل بر اساس میزان نمره به دست آمده

تحلیل بر اساس مولفه های پرسشنامه

به این ترتیب که ابتدا پرسشنامه‌ها را بین جامعه خود تقسیم و پس از تکمیل پرسشنامه‌ها داده ها را وارد نرم افزار اس پی اس کنید. البته قبل از وارد کردن داده ها شما باید پرسشنامه را در نرم افزار اس پی اس اس تعریف کنید و سپس شروع به وارد کردن داده ها

چگونگی کار را برای شفافیت بیشتر به صورت مرحله به مرحله توضیح می دهیم

مرحله اول. وارد کردن اطلاعات تمامی سوالات پرسشنامه (دقت کنید که شما باید بر اساس طیف لیکرت عمل کنید .

مرحله دوم. پس از وارد کردن داده های همه سوالات، سوالات مربوط به هر مولفه را کمپیوت (compute) کنید. مثلا اگر مولفه اول X و سوالات آن ۱ تا ۷ است شما باید سوالات ۱ تا ۷ را compute کنید تا مولفه X ایجاد شود.

به همین ترتیب همه مولفه ها را ایجاد کنید و پس از این کار در نهایت شما باید همه مولفه ها که ایجاد کردید را با هم compute کنید تا این بار متغیر اصلی تحقیق به وجود بیاید که به طور مثال متغیر مدیریت دانش یا ... است.

مرحله سوم. حالا شما هم مولفه‌ها را به وجود آورده اید و هم متغیر اصلی تحقیق را؛ حالا می توانید از گزینه آنالیز هر آزمونی که می خواهید برای این پرسشنامه (متغیر) بگیرید.

مثلا می توانید آزمون توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، واریانس) یا می توانید آزمون همبستگی را با یک متغیر دیگر بگیرید.

• نمره گذاری پرسشنامه:

بر اساس طیف لیکرت نمره گذاری شده است

پرسشنامه منزلتهای هویت تحصیلی (AIS) روی طیف پنج درجهای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) قرار دارند. عامل اول (هویت تحصیلی موفق) شامل ۱۰ گویه (۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۸، ۴۰) است. عامل دوم (هویت تدریس دیر رس) شامل گویه های (۷، ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۳۶، ۳۷) است. عامل سوم (هویت تحصیلی سردرگم) با ۱۰ گویه شامل گویه های (۲، ۳، ۸، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۶، ۳۵، ۳۹) است. عامل چهارم (هویت تحصیلی دنباله رو) شامل گویه های (۱، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۲۰، ۲۲، ۲۹، ۳۳) است (حجازی، ۱۳۹۰).

گزینه	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم
امتیاز	۱	۲	۳	۴	۵

تحلیل بر اساس میزان نمره پرسشنامه

بر اساس این روش از تحلیل شما نمره‌های به دست آمده را جمع کرده و سپس بر اساس جدول زیر قضاوت کنید. توجه داشته باشید میزان امتیاز های زیر برای یک پرسشنامه است در صورتی که به طور مثال شما ۱۰ پرسشنامه داشته باشید باید امتیاز های زیر را ضربدر ۱۰ کنید
مثال: حد پایین نمرات پرسشنامه به طریق زیر بدست آمده است
تعداد سوالات پرسشنامه * ۱ = حد پایین نمره

حد پایین نمره	حد متوسط نمرات	حد بالای نمرات
۴۰	۱۲۰	۲۰۰

- در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۴۰ تا ۸۰ باشد، میزان منزلتهای هویت تحصیلی ضعیف می باشد.
- در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۸۰ تا ۱۲۰ باشد، میزان منزلتهای هویت تحصیلی در سطح متوسطی می باشد.
- در صورتی که نمرات بالای ۱۲۰ باشد، میزان منزلتهای هویت تحصیلی بسیار خوب می باشد.

روایی و پایایی پرسشنامه

قابلیت اعتماد یا پایایی یک ابزار عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه گیری هر آنچه اندازه می‌گیرد یعنی اینکه ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد.
واز و ایزاکسون (۲۰۰۸) همسانی درونی پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای تعداد ۴۰۷ نفر و برای هر یک از خرده مقیاسهای دیررس، دنباله رو، سردرگم و هویت موفق به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۷، ۰/۷۶ و ۰/۷۶ گزارش کرده اند. روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین روایی همگرا و واگرایی پرسشنامه منزلت های هویت تحصیلی نیز با تعیین همبستگی منزلت های هویت تحصیلی با سبکهای هویت که از طریق سیاهه سبکهای هویت (برزونسکی، ۱۹۸۹) اندازه گیری شد، تعیین گردید (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۸۶). حجازی، امانی، یزدانی (۱۳۹۰) ضرایب پایایی این پرسشنامه را بین ۰/۴۵ (برای بعد دنباله روی) تا ۰/۸۳ (برای بعد سردرگم) گزارش کردند.

متغیرها	تعداد سوال ها	سطح قابل قبول	ضریب آلفای کرونباخ
منزلت های هویت تحصیلی	۴۰	۰/۷	۰,۸۳

۲- پرسشنامه عملکرد تحصیلی فام و تیلور (EPT)

پرسشنامه عملکرد تحصیلی توسط فام و تیلور در سال ۱۹۹۹ ساخته شد و دارای ۴۸ سوال در ۵ مولفه بوده و هدف آن ارزیابی عملکرد تحصیلی از حوزه های مختلف (خودکارآمدی، تاثیرات هیجانی، برنامه ریزی، فقدان کنترل پیامد، انگیزش) می باشد. با استفاده از طیف لیکرت (هیچ تا خیلی زیاد) نمره گذاری شده است و آلفای کرونباخ کل پرسشنامه به دست آمده ۰/۷۴ باشد.

تعریف مفهومی متغیر پرسشنامه :

تعریف عملکرد تحصیلی:

عبارت است از کلیه فعالیت ها و تلاش هایی که یک فرد در جهت کسب علوم و دانش و گذراندن پایه ها و مقاطع تحصیلی مختلف در مراکز آموزشی از خود نشان می دهد.

مانند جنس، توانایی علمی و سبک ارتباطی معلم را در این تعامل دخیل دانسته است (اسفندیاری، ۱۳۸۰).

تعریف عملیاتی متغیر پرسشنامه

در این پژوهش منظور عملکرد تحصیلی نمره ای است که پاسخ دهندگان به سوالات ۴۸ سوال پرسشنامه عملکرد تحصیلی می دهند.

مولفه های پرسشنامه :

سوال های مربوطه	بعد
۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹	خودکارآمدی
۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲	تاثیرات هیجانی
۴۸، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۰، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۴، ۳، ۲، ۱	برنامه ریزی
۳۸، ۳۷، ۶، ۵	فقدان کنترل پیامد
۴۷، ۴۲، ۴۱، ۳۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰	انگیزش

بحث و نتیجه گیری

جدول معرفی نوع و نقش متغیرهای تحقیق

متغیر	نقش متغیر	نوع متغیر(سطح سنجش)
هویت تحصیلی	متغیر مستقل(پیش بین)	کمی
عملکرد تحصیلی	متغیر وابسته	کمی

جدول گزارش توصیفی شاخصهای گرایش مرکزی متغیر هویت تحصیلی به همراه زیر مقیاسهای آن

متغیر	دامنه تغییرات	کمینه	بیشینه	جمع نمرات	میانگین	انحراف معیار
هویت تحصیلی موفق	۱۹,۰۰	۱۴,۰۰	۳۳,۰۰	۵۸۳۱,۰۰۰	۲۴,۵۰۰۰	۰.۱۸۳۱۲
هویت تدریس دیر رس	۱۹,۰۰	۱۵,۰۰	۳۴,۰۰	۵۲۲۲,۰۰۰	۲۱,۹۴۱۲	۰.۲۲۲۶۹
هویت تحصیلی سردرگم	۲۲,۰۰	۱۳,۰۰	۳۵,۰۰	۵۱۰۱,۰۰۰	۲۱,۴۳۲۸	۰.۲۵۸۳۴
هویت تحصیلی دنباله رو	۱۹,۰۰	۱۳,۰۰	۳۵,۰۰	۵۲۲۲,۰۰۰	۲۱,۵۳۲۹	۰.۲۵۵۳۶
هویت تحصیلی	۴۷,۰۰	۵۴,۰۰	۱۰۱,۰۰	۱۶۱۵۴,۰۰۰	۹۱,۸۷۳۹	۰.۵۲۵۷۰

جدول ، گزارش توصیفی شاخصهای گرایش مرکزی متغیر هوش اجتماعی را به همراه مؤلفه های - آن نشان می دهد. همانطور که در جدول فوق ملاحظه می گردد؛ دانش آموزان مورد مطالعه از نظر هویت تحصیلی موفق (۲۴,۵۰۰۰) نسبت به دو مؤلفه دیگر هویت تدریس دیر رس (۲۱۹۴۱۲) و هویت تحصیلی سردرگم (۲۱,۴۳۲۸) در وضعیت مطلوب تری هستند و میانگین هویت تحصیلی نیز برابر (۹۱,۸۷۳۹) می باشد. در مجموع با توجه به حد وسط نمرات (برای مؤلفه ها ۱۴ و برای کل مقیاس ۴۲) می توان گفت که دانش آموزان از هویت تحصیلی نسبتاً بالایی برخوردارند. جدول ۷ گزارش توصیفی شاخصهای گرایش مرکزی متغیر هوش اخلاقی به همراه مؤلفه های آن

بین هویت تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جدول نتیجه آزمون همبستگی پیرسون بین هویت تحصیلی و عملکرد تحصیلی

متغیر	عملکرد تحصیلی		
	ضریب پیرسون	سطح معناداری	تعداد
هویت تحصیلی	۰.۳۹۷**	۰,۰۰۰	۱۳۳
معناداری در سطح ۰/۰۱***		اطمینان ۹۹%	

جدول ، نتیجه آزمون همبستگی پیرسون را بین هویت تحصیلی و عملکرد تحصیلی نشان می دهد. براساس اطلاعات جدول فوق؛ رابطه بین هویت تحصیلی با عملکرد تحصیلی ($r = .397$ ، $p < .05$) معنادار است. توجه به ضریب همبستگی، نشان دهنده رابطه مثبت بین دو متغیر است بدان معنا که با افزایش هویت تحصیلی ، بر میزان عملکرد تحصیلی دانش آموزان نیز افزوده می شود..

جدول نتیجه تحلیل رگرسیون همزمان بین هویت تحصیلی با عملکرد تحصیلی

Model Summary					
مدل	R	R ^۲ مجبور	تعدیل شده R ^۲ مجبور	خطای معیار	
	.۴۰۰	.۱۶۰	.۱۵۳	۳,۷۸۸.۰۲	
ANOVA					
مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig
رگرسیون	۶۴۲,۲۷۸	۲	۳۲۱,۱۳۹	۲۲,۳۸۰	.۰۰۰
باقیمانده	۳۳۷۲,۰۴۶	۱۳۱	۱۴,۳۴۹		
کل	۴۰۱۴,۳۲۴	۱۳۳			
Coefficients					
متغیر	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد	T	Sig
	α	B	Beta		
هویت تحصیلی	۳۱,۹۷۳	.۲۰۶	.۰۳۱	۶,۶۷۷	.۰۰۰

جدول ۷، نتیجه تحلیل رگرسیون همزمان را بین هویت تحصیلی با عملکرد تحصیلی نشان می دهد. براساس اطلاعات جدول فوق؛ هویت تحصیلی در مجموع ۱۵ درصد از تغییرات عملکرد تحصیلی را تبیین می نمایند .

منابع

- اکبرزاده، نسرین. (۱۳۷۶). هویت من در الگوی مارسیا و بی ریشگی در نظریه اریکسون. نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س). ۲۲، ۲۴-۱۳.
- امیری، شعله؛ عابدی، احمد؛ موسوی، زهره و پالاهنگ، حسن. (۱۳۸۴). رابطه بین پیشاینده های شخصیتی (اضطراب، عزت نفس، جایگاه مهار) با انواع هویت یابی. دانش و پژوهش در روانشناسی، ۲۵، ۵۷-۷۴.
- آقاجانی، سیف الله؛ نریمانی، محمد؛ آسیائی، مریم (۱۳۹۰). مقایسه هوش هیجانی و خودپنداره ی دانش آموزان تیزهوش و عادی. مجله کودکان استثنایی، شماره ۲۹، صص ۳۲۳-۳۱۷.
- بقائی سرابی، علی؛ اسماعیلی، محمد جواد؛ (۱۳۸۸). عوامل اجتماعی موثر بر هویت دانشگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. پژوهش های جامعه شناختی. زمستان ۱۳۸۸، سال سوم - شماره ۴ (۲۹ صفحه - از ۱۷۵ تا ۲۰۳).
- جعفری، لطیف. (۱۳۸۸). رشد سالم روانی شخصیتی در نظریه اریکسون. فصلنامه بهداشت روان. (۳۰)، ۲۹-۳۳.
- جنکینز، ر. (۱۳۹۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی. تهران، نشر شیرازه.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۹۶). هویت اجتماعی. نشر: آگاه
- حاجی خیاط، ع (۱۳۸۲). تبیین ابعاد هویت. مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی، جلد چهارم، شماره ۱.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۸). جامعه شناسی هویت ایرانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- حجازی، الهه؛ امانی، حبیب و یزدانی، محمد جواد. (۱۳۸۹). ارزیابی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه منزلت های هویت تحصیلی در دانش آموزان ایرانی. روشها و مدل های روانشناختی، ۲(۵)، ۱-۱۵.
- حجازی، الهه؛ خضری آذر، هومن و امانی، جواد. (۱۳۹۰). ادراک دانش آموز از حمایت معلم از خودمختاری و خودکارآمدی انگلیسی: نقش واسطه های نیازهای اساسی روانشناختی. فصلنامه مطالعات آموزش و یادگیری، ۴(۱)، ۲۹-۵۰.
- حجازی، الهه؛ امانی، حبیب؛ یزدانی، محمد جواد (۱۳۹۰). ارزیابی ویژگیهای روان سنجی پرسشنامه منزلت های هویت تحصیلی در دانش آموزان ایرانی. روشها و مدل های روان شناختی، شماره ۵، صص ۱-۱۶.
- سیف، سوسن (۱۳۸۹). روانشناسی رشد ۱ (چاپ پنجم). انتشارات سمت.
- شیخ روحانی، سعید (۱۳۷۸). مقایسه میزان اضطراب در پایگاههای هویت در دانشجویان رشته های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- غرابی، بنفشه؛ عاطف وحید، محمد کاظم؛ دژکام، محمود و محمودیان، مهرداد (۱۳۸۴). راهبردهای مدارای نوجوانان تهرانی در وضعیت های مختلف هویتی. رفاه اجتماعی، ۱۹، ۱۱۲۵-۱۴۰.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات (جلد دوم: قدرت هویت)، علی پایا، طرح نو.

گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۷۷). هنجاریابی آزمون جدید شخصیتی نئو و بررسی تحلیل ویژگی ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاههای ایران. پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

محموظی، محمدصادق؛ جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۷). سیر تحول نظامهای روانشناسی (چاپ سوم). تهران: انتشارات جامعه پژوهشگران.

محمودآبادی، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبکهای هویت و کمالگرایی با اهداف پیشرفت تحصیلی در دانشآموزان دبیرستانی شهر سیرجان. پایاننامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه یزد.

مریدی، محمدرضا؛ تقی زادگان، معصومه (۱۳۸۶). بررسی بحران هویت در بین دانش آموزان (نمونه موردی دانش آموزان شهر لار در سال تحصیلی ۸۵ - ۱۳۸۴). مطالعات ملی ۱۳۸۶ تابستان شماره ۳۰

مهرام، ب؛ ساکتی، پ؛ مسعودی، ا؛ مهرمحمدی، م (۱۳۸۵). نقش مولفه های برنامه درسی پنهان در هویت علمی دانشجویان. فصل نامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۳، ص ۳-۲۹.

